

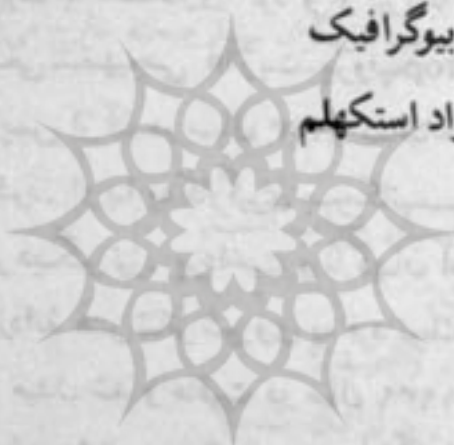
ترجمه از ایتالیایی به فارسی: بهروز غریب‌پور

## ایکارو\*

«مرثیه‌ای برای مایرهولد»

براساس نوشته‌ای نمایی - بیوگرافیک

از بوپرسون گروه تئاتر شهروزاد استکهلم



وسالدو امیلویچ مایرهولد Vivaldo Emilievič Meierehol'd

(۱۸۷۴-۱۹۴۰) بازیگر، کارگردان و نظریه‌پرداز تئاتر شوروی. شاگرد نمیرویچ دانچنکو Nemirevič Dancenکو است که در سال ۱۸۹۸ وارد (تئاتر هنر مسکو) گردید و تا سال ۱۹۰۲ بعنوان بازیگر و بره آثار چخوف در این تئاتر به فعالیت مشغول بود. در سال ۱۹۰۶ بعنوان مدیر تماشاخانه‌ای در پترزبورگ بصورت مستقل به مدیریت و کارگردانی تئاتر پرداخت. در همین تماشاخانه هداگابلر ایسن را به شیوه اکسپرسیونیستی و ماریونیتیسم (روشی که بازیگر تحت رهبری کامل کارگردان و همچون عروسکی نخی «ماریونت» در صحنه بعمل می‌پردازد) بر روی صحنه آورد و بدین ترتیب از شیوه ناتورالیسم فاصله گرفت. مایرهولد در سال ۱۹۱۰ «تئاتر-استودیو» را پایه‌گذاری کرد که میدان عملی برای به‌کارگیری شیوه گروتسک در ارائه نمایش بود و از بازیگران میم، رقصندگان باله و آکروبات‌بازان بعنوان «بازیگر» استفاده می‌کرد و سرانجام مایرهولد نظرات خود را در کتابی تحت عنوان (درباره تئاتر) در سال ۱۹۱۳ منتشر ساخت که بمشابه

اعلام استقلال کامل از مکتب استانیس لاوسکی و نمبرویچ دانچنکو تلقی می‌گردد. البته نظریه پردازی مایرهولد بعدها در کتابی بنام «انقلاب تئاتری» که در سال ۱۹۶۲ «بیست و دو سال پس از مرگش» انتشار یافت بصورت روشن‌تر و مشخص‌تر اعلام وجود کرد. برخورد مایرهولد با مایاکوفسکی - شاعر انقلابی - از نقاط عطف زندگی هنری وی محسوب می‌گردد که موجب به روی صحنه آوردن آثار غیرمتعارف وی گردید و مایرهولد با کارگردانی سوسکها، حمام و چند اثر دیگر به «کارگردان انقلاب» مبدل شد که خواستار بنیان نهادن زیبایی‌شناسی نوبجای زیبایی‌شناسی بورژوازی و خرده‌بورژوازی است و به همین جهت آثار او رنگ سیاسی و جهت تخریبی خاصی گرفت که سرانجام موجبات هلاک خود وی گردید. در سال ۱۹۲۰ لوناچارسکی - رئیس کمیته زیبایی‌شناسی دولتی - مایرهولد را دعوت به همکاری کرد و او نیز، با برگزاری «اکتبر تئاترال» و براه انداختن گروه‌های تبلیغی - تهیجی «آزیت - پروپ - Agit» یک رشته نمایشهای سیاسی را رهبری کرد و پس از آن در سال ۱۹۲۳ تماشاخانه مایرهولد یا Tim را دایر نمود و زندگی را وقف آن کرد. او با به کارگیری بیومکانیسم و کنسترکتویسم به کارگردانی بازرس گوگول و چند اثر دیگر نیز، پرداخت و ناگهان آماج تبلیغاتی مخالف و هولناک قرار گرفت و مایرهولد دُرْدانه هنر تئاتر شوروی به فرد توطئه‌گر، خائن به پرولتاریا، دشمن شماره ۱ هنر سوسیالیستی مبدل شد و عاقبت در سال ۱۹۳۹ دستگیر و تبعید گردید.

بنابر اطلاعاتی غیرموشق در سال ۱۹۴۰ به مرگ طبیعی! در یکی از اردوگاه‌های کار اجباری در سیبری زندگی دردناکش را به پایان برد و بدین ترتیب نامی به فهرست قربانیان هولناک‌ترین انگیزسیون سیاسی تاریخ بشر یعنی استالینیسم اضافه شد. در نمایشنامه «ایکارو» روند بیوگرافیک زندگی مایرهولد در نظر گرفته شده و از افرادی چون چخوف، استانیس لاوسکی، مایاکوفسکی (تحت نام آکس) و... نام برده شده است که فرصتی مناسب برای پرداختن به یکایک این ارتباطها را می‌طلبد که امیدوارم بزودی به انجام آن موفق شوم.

• Icaro - ایکارو، نامیست که استانیس لاوسکی، به مایرهولد داده است. در میتولوژی یونان، ایکارو، دو بال مومی دارد که پس از گریختن از زندان و اوج گیریش در برابر گرمای خورشید، تاب نمی‌آورد و در دریا غرق می‌شود در ادبیات، ایکارو، معادل اوج گیری تراژیک است.